

موسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره

نام کارگروه: کارگروه توسعه ایران

رئیس کارگروه: آقای سعید غلامی نتاچ امیری

تاریخ: ۱۳۸۹/۴/۱۲

تهیه کننده: سمیه جوانمردی

همکاران (اعضای کارگروه): آقایان مسین تسلیمی، عبدالرسول دیوسالار،

علی اصغر صادقی، پاشا عبداللهی، سعید غلامی نتاچ، ممدود فرهادی نیا، رضا

مجید زاده، رضا معصومی راد، امیر مهدیه، خانم ها کوثر افضل زاده، سمیه

جوانمردی، مریم گرشاسبی، کیلان مردوفی

عنوان: باز شناسی نقش اندیشه دینی در توسعه ایران

عنوان فرعی: معرفی نظرات آقای ناصر جهانیان

کلیدواژه: اسلام، دین، توسعه، ایران

یادداشت: -

پژوه

○ مطالب این گزارش در سه بخش زیر تنظیم شده است:

1. تلقی از توسعه و کلیاتی در باب تحلیل این مفهوم

2. اسلام و توسعه

3. ایران و توسعه اسلامی



بازشناسی نقش اندیشه دینی در توسعه ایران

معرفی نظرات ناصر جهانیان

معرفی صاحب‌منظر

- ناصر جهانیان : متولد ۱۳۳۷ بابل
- ❖ سوابق تحصیلی:
- تحصیل در رشته شیمی در دانشگاه تبریز
- تحصیل در حوزه علمیه قم ۱۳۶۰ - ۱۳۶۸
- تحصیل در دوره کارشناسی اقتصاد در دانشگاه مفید ۱۳۶۸
- تحصیل در دوره کارشناسی ارشد اقتصاد در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه شهید بهشتی
- ❖ سوابق پژوهشی و اجرایی:
- آغاز فعالیت‌های پژوهشی از سال ۱۳۷۲ در دارالحدیث
- آغاز به فعالیت در پژوهشکده حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی از سال ۱۳۷۵
- عضو هیئت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه و عضو هیئت تحریریه فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی

آثار

❖ کتب:

- آسیب شناسی دینی توسعه اقتصادی
- اسلام و چالش های اقتصادی (ترجمه)
- امنیت اقتصادی از چشم انداز امام علی (ع)
- اهداف توسعه با نگرش سیستمی
- چالش فقر و غنا در کشورهای پیشرفته سرمایه داری
- اسلام و رشد عدالت محور

آثار

❖ مقالات:

- بنیادهای توسعه اقتصادی عادلانه در اسلام
- بهره‌وری در آیات و روایات
- تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین
- جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی
- رابطه دین و توسعه
- روش‌شناسی اقتصاد اسلامی (ترجمه)
- شاخص توسعه انسانی – اخلاقی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی (در دو بخش)
- شاخص‌ها
- شاخص‌های توسعه یافتگی اسلامی
- فقر زدایی، چالش‌ها و راهبردهای اسلامی
- مسئله توزیع در نظام سرمایه‌داری
- موانع نظری و عملی توسعه در ایران

تلقى از توسعه

پرسش های اصلی در تحلیل مفهوم توسعه

- توسعه چیست؟ آیا مفهومی صرفاً عینی و علمی است و یا مفهومی است ارزشی و هنجاری؟
- مهمترین اهداف آن کدام است؟
- این اهداف پاسخگوی کدام نیاز انسان است؟
- تعیین کنندگان اهداف توسعه چه گروهها، نهادها و عواملی هستند؟
- بهترین روش مطالعه اهداف توسعه چیست؟
- در کدام نظام اجتماعی (به مثابه بستر فرایند توسعه) این اهداف با هزینه ای کمتر و سریع تر محقق می شود؟

چيستی توسعه

- مفهوم توسعه، خواه ناظر به پیشرفت جامعه‌های اروپایی بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی باشد و خواه ناظر به مرحله گذار کشورهای جهان سوم از مرحله جامعه‌های سنتی به جامعه‌های صنعتی، اصطلاحی است که برای یک تحول جدید و بی‌سابقه وضع شده است؛ تحولی که زندگی مرفه‌تری را از نظر مادی فراهم می‌کند و به لحاظ نهادینه بودن جدیدتر و از نظر فناوری کارا تر است.
- به اعتقاد ایشان این تحول بر خلاف تصور نظریه پردازان نوسازی، نه در گسست کامل سنت و تجدد بلکه در بسیاری از موارد از دل سنت به عنوان زمینه اجتماعی تجدد، سربرآورده است.
- توسعه با افعال اختیاری و ارادی انسان ها و هنجارها و نهادهای اجتماعی ایجاد شده توسط آنها شکل می‌گیرد. در نتیجه، مبانی ارزشی توسعه بر راهبرد توسعه مقدم است.

پیستی توسعه

○ دو نگرش به توسعه :

❖ برداشت اقتصاد گرایانه: افزایش سریع و پایدار تولید سرانه ناخالص ملی + تلاش برای کاهش نابرابری درآمدهای ناشی از آن

❖ برداشت موثر و رهایی بخش از توسعه: مشخصه اصلی: شکوفایی توانایی انسانی (انسان وسیله و هدف توسعه)

○ تعریف صاحب نظرانی چون میردال، تودارو و بلک از توسعه در این دسته دوم می گنجد.

تعریف توسعه

- توسعه، فرایندی اجتماعی است مبتنی بر عقلانیت عمل، که در آن، جامعه از وضعیت غیر عقلانی نامطلوب به سوی وضعیت عقلانی مطلوب گذر می کند.
- توسعه فرایند تحول بلند مدت و همه جانبه (و نه صرفاً اقتصادی) و ساختاری و کیفی درون یک نظام اجتماعی به نام جامعه (دولت - ملت) است که نیازهای رو به گسترش جمعیت را با روشی عقلانی تا حد امکان برآورده می سازد.

ویژگی این تعریف

- توسعه فرایندی اجتماعی است: مجموعه‌ای از عمل‌های اجتماعی مستمر و مطابق هنجار و الگوی عمل اجتماعی است که اثر معینی دارد و معمولاً فاعلین اجتماعی به اثر دراز مدت و مجموعه‌ای آن توجه دارند.
- جنس منطقی توسعه، فرایند اجتماعی مبتنی بر عقلانیت عمل است و فصل یا عرض خاص این تعریف که توسعه را از فرایندهای اجتماعی دیگر مثل تربیت کودکان، آموزش مدرسه‌ای و... متمایز می‌کند، مسئله گذار است.
- این تعریف توسعه، شامل جامعه آرمانی و مدینه فاضله و ناکجا آباد نمی‌شود ولی منافاتی هم با آن ندارد یعنی می‌تواند در مسیر آن باشد و با عقلانیت صحیح جامعه توسعه یافته تکامل بیشتری پیدا کند و به سعادت و نیکبختی نسبی دست یابد.
- نقش اساسی شعور و اندیشه و اراده انسان‌های تعالی‌جو در این فرایند

اهداف توسعه

- هدف: خواسته ای است که کوشش ها به سمت آن هدایت می شود.
- در بحث اهداف توسعه لازم است به نکات زیر توجه شود:
- 1. شناخت هدف نهایی توسعه، یعنی زندگی بهتر و انسانی تر، بدون شناخت نیازهای حیاتی و عالی انسان امکان پذیر نیست. دسته دیگری از نیازهای کاذب که نشأت گرفته از عادات و آداب غیرعقلانی فرهنگ ها نیز می باشند، قابل توجه اند.
- 2. شکل گیری و ارضاء این نیازها، تحت تأثیر ارزش ها و هنجارهای اجتماعی است.
- 3. تعیین کنندگان اهداف درونی (طبقه فرمانروا و گروههای نافذ، خصیصه های اخلاقی رهبران ملی، نظام حفظ الگوهای فرهنگی) و بیرونی (حکومت های خارجی، رسانه های بین المللی وغیره)
- 4. ارتباط لازمه تأمین این نیازها و دستیابی به اهداف توسعه
- 5. انسان خودشکופا، خلاق، ماهر و کارآمد: برقرار کننده ارتباط مناسب
- 6. دسته بندی اهداف: هدف نهایی (فلسفه وجودی)، هدف کلی (تأمین کننده اثربخشی)، هدف جزئی (تأمین کننده کارایی)

تحول اهداف توسعه

○ تشخیص دو گونه توسعه:

۱. توسعه غیرعمدی (فرایند تاریخی تغییر اجتماعی که به تحول جوامع غربی انجامید)

۲. توسعه عمدی (فرایند تغییر کوتاه مدت توسعه ای که توسط عاملان توسعه اعمال می شود)

○ آنچه که در جوامع جهان سوم اتفاق افتاد، همان توسعه عمدی بود.

○ در پاسخ به انگیزه توسعه جوامع جهان سوم، و با تفوق سیاست غربی سازی در شرایطی که بلوک شرق و غرب هر یک در صدد جذب کشورهای نوظهور به اردوی خود بودند، الگوهای شتابزده ای از توسعه ارائه شد.

○ هدف این نسخه از توسعه، رشد اقتصادی (رشد درآمد سرانه) بود.

تحول اهداف توسعه

- با آشکار شدن برخی نتایج توسعه غربی ساز (توزیع نامتعادل ثمرات رشد، خنثی کردن توده ها، بدهی کلان به کشورهای غربی ، بی پاسخ ماندن برخی نیازهای انسانی و غیره)، توجه به کیفیت رشد ضرورت یافت و اهداف توسعه نیز دچار تغییر شد.
- در نتیجه بحث از مفاهیمی چون حق توسعه و توسعه انسانی به میان آمد؛ توسعه مردم (سرمایه گذاری در ظرفیت های انسانی، برای مردم (توزیع منصفانه رشد اقتصادی) و به دست مردم (فرصت برابر مشارکت برای همه)
- مهم ترین اهداف توسعه :
- رشد اشتغال آفرین: رشدی همراه با ایجاد فرصت های اشتغال
- رشد عادلانه: توزیع عادلانه مواهب برآمده از رشد
- رشد مشارکت آفرین: رشدی همراه با مشارکت سیاسی بیشتر
- رشد باهویت : رشد همراه با حفظ هویت فرهنگی و تقویت آن
- رشد پایدار: توجه به منابع سرمایه طبیعی از جهت تهی سازی یا آلودگی آن

مطالعه توسعه با روشی سیستمی

- بهترین روش مطالعه اهداف توسعه، نگرش سیستمی است.
- دلیل این برتری:
- با شناخت نظام، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و فرهنگی و ارتباط بین خرده نظام های آن و پیوند توسعه اقتصادی با نظام اقتصادی، می توان مشکلات را بر اساس مجموعه عوامل و فعالین توسعه، ساختارها و نهادها، سازوکارها و مقتضیات محیطی بررسی و راه حل ارائه کرد.
- در این روش، اهداف واقعی و کارکرد نظام مد نظر است نه اهداف ادعایی و ظاهری.

نظام چیست؟

- نظام: مجموعه پیچیده سازمان یافته ای متشکل از روابط تعاملی موجود بین عناصر، کنش ها یا اشخاص است که بر یکدیگر به طور پویا اثر می گذارند و برای انجام رساندن کار یا دست یافتن به هدفی خاص سازمان یافته اند.
- ۵ جزء نظام: کلیت، روابط تعاملی میان عناصر، پیچیدگی، سازمان با جنبه های ساختاری و کارکردی و هدف مشخص
- هر نظام اجتماعی – فرهنگی متشکل از ۴ خرده نظام با کارکردهای زیر است:
 1. خرده نظام فرهنگی : تولید اندیشه، معرفت و عرفان
 2. خرده نظام اجتماعی: تولید عاطفه، تعهد، همبستگی و عزت
 3. خرده نظام سیاسی: بسیج نیروها به سمت اهداف مورد وفاق عموم
 4. خرده نظام اقتصادی: رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات
- حالت مطلوب و تعادلی خرده نظام ها در وضعیت توسعه یافتگی پایدار: چهار خرده نظام در عین ترکیب و نفوذ متقابل، از خودمختاری نسبی برخوردار باشند.

نظام اجتماعی فرهنگی مناسب برای تحقق اهداف توسعه

○ پرسش مهم دیگر:

- کدام نظام اجتماعی - فرهنگی بهترین زمینه را برای دستیابی به اهداف جدید توسعه فراهم می آورد؟

○ بررسی اهداف توسعه در دو نظام فرهنگی - اجتماعی سرمایه داری و اسلام به عنوان دو مدعی در عرصه جهانی در آغاز قرن بیست و یکم.

○ با توجه به تحقق رشد اقتصادی خودپویا در نظام سرمایه داری، به راحتی می توان در مورد کیفیت اهداف فوق در این نظام نظر داد.

دستاوردهای توسعه در نظام های اجتماعی- فرهنگی سرمایه داری

○ از دو گونه توسعه عمدی و غیرعمدی، آنچه که در غرب به وقوع پیوست، نوع غیرعمدی آن بود؛ توسعه ای که وجه غالب آن، رشد اقتصادی بود و از همین روی است که دو مفهوم توسعه و توسعه اقتصادی، غیر قابل انفکاک به نظر می رسند.

○ این توسعه مدیون شرایط نهادی و ایدئولوژیک زیر است:

1. سکولاریسم

2. برابری

3. ناسیونالیسم

دستاوردهای توسعه در نظام های اجتماعی- فرهنگی سرمایه داری

○ رشد اشتغال آفرین:

○ با توجه به بیکاری های دوره ای و ساختاری ناشی از ساختار سرمایه سالارانه این نظام در نهادهای مالکیت خصوصی، اشتغال مبتنی بر استخدام و سازوکار بازار و صنعت گرایی اش، نمی تواند هدف رشد اشتغال آفرین را به نحو مناسب محقق سازد.

○ رشد عادلانه:

○ دستاوردهای نظام سرمایه داری به اتکاء آمار و ارقام موجود، نشان می دهد اگر چه رشد شرط لازم برابری است اما شرط کافی نیست، بلکه توزیع درآمد بسیار مهم تر است.

دستاوردهای توسعه در نظام های اجتماعی- فرهنگی سرمایه داری

- رشد پایدار:
- رشد اقتصادی غرب، کارنامه درخشانی را در زمینه حفظ منابع طبیعی و زیست محیطی برای نسل های آینده به همراه ندارد.
- رشد مشارکت آفرین :
- بررسی تجربه نظام سرمایه داری در زمینه حقوق شهروندی نشان میدهد:
 1. تحقق حقوق مدنی که شامل انواع آزادی های مدنی می شود، تا اوایل قرن ۱۹ در بیشتر کشورهای اروپایی به طور کامل برقرار نگردید.
 2. تحقق حقوق سیاسی شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن
 3. حقوق اجتماعی شامل بهره مندی از حداقل استانداردهای رفاه اقتصادی و امنیت است. به استثنای آلمان، در بیشتر جوامع غربی این حقوق آخرین حقی بود که پدید آمد. البته از اوایل دهه ۷۰، روند گسترش حقوق اجتماعی معکوس گردیده است.

دستاوردهای توسعه در نظام های اجتماعی- فرهنگی سرمایه داری

○ رشد هویت آفرین:

○ اگر چه رشد نوین اقتصادی غرب با هویتی مستقل در ابعاد گوناگون آغاز شد اما امروزه آشکار است که به دلیل فقدان معنویت در تمدن صنعتی غرب، این تمدن با بحران هویت روبرو است.

برخی میوه های شیرین تمدن غربی

- میوه‌های شیرین توسعه غربی عبارتند از:
 1. بهبود آشکار در وضعیت معاش، آسایش و مصرف شمار زیادی از مردم
 2. پیشرفت فناوری
 3. افزایش قدرت انتخاب، به ویژه برای زنان و کودکان برای انتخاب شغل و نوع زندگی و پذیرش ارزشها
 4. وابستگی متقابل و فزاینده جهانی
 5. شکوفا شدن استعدادها و به کارگیری قوه ابتکار و خلاقیت در زمینه علوم مختلف از جمله در سازماندهی روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تشکیل نهادهای مربوطه و حاکمیت قانون همراه با مشارکت عمومی در صحنه‌های سیاسی؛
 6. ایجاد تحمل‌پذیری بسیار بالاتر از گذشته؛ تحمل انواع متفاوتی از مذاهب، قوانین، آداب و رسوم و عقاید.



اسلام و توسعه

پرسش های اصلی

- اهداف توسعه در اسلام چیست؟
 - برای پاسخ به این پرسش لازم است به پرسش های زیر پرداخته شود:
1. هدف دین مبین اسلام چیست؟
 2. اهداف نهایی، متوسط و جزئی آن کدام است؟
 3. آیا اساسا در سلسله اهداف اسلام جایگاهی برای نظام اجتماعی – فرهنگی اسلام در نظر گرفته شده تا توسعه در درون آن امکان پذیر باشد؟
 4. هدف نهایی آن نظام اجتماعی – فرهنگی چیست؟
 5. اهداف توسعه در این نظام کدام است؟

توسعه اسلامی

○ توسعه اسلامی فرایند تحول بلند مدت و همه جانبه (و نه صرفاً اقتصادی) و ساختاری و کیفی درون یک نظام اجتماعی به نام جامعه (دولت - ملت) است که نیازهای رو به گسترش جمعیت را با روشی عقلانی و در چارچوب اهداف و احکام اسلام تا حد امکان برآورده می سازند. در این فرایند خرده نظام های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مذکور ارتقاء انطباقی پیدار کرده اند و با خود مختاری نسبی از یکدیگر قدرت، ثروت، همبستگی و معرفت تولید می کنند.

یک مشکل !!

- توسعه یافتگی اندک نظام های اجتماعی – فرهنگی اسلام در عصر حاضر و عدم تحقق کامل اهداف انسانی در بین این نظام ها، امکان تحلیل چگونگی و کیفیت تحقق آن اهداف را همانند نظام سرمایه داری ، فراهم نمی آورد.
- تنها راه حل آن است که با انتخاب یک نظام اجتماعی – فرهنگی اسلامی مشخصی چون جمهوری اسلامی ایران و بحث از نظام الگوی فرهنگی اسلامی به مثابه روحی که باید در کالبد نظام اجتماعی و خرده نظام های آن جریان و توسعه پیدا کند، این بحث را به جلو ببریم . در این بررسی تمرکز بر اهداف و ارزش های مصرح در قانون اساسی است.
- تشابه ظاهری اهداف اجماعی توسعه ای مصرح در قانون اساسی با اهداف توسعه انسانی سکولار به معنای یکسانی محتوای این دو نیست.

شناخت انسان از دیدگاه اسلام

- انسان :
- حقیقتی است در پیوند با دنیا و آخرت .
- داری فطرت مشترک و ثابت و طبیعتی متغیر و متنوع است.
- بر مبنای فطرتش موحد است و پذیرنده ذات اقدس خداوندی و بر مبنای طبیعتش، استخدام گر و بهره جو.
- در حالی که مکاتب غیرالهی امانیستی، انسان را محور و غایت انسان قرار می دهند ، در اسلام، حرکت و تعالی انسان در نقطه ای مافوق انسان است.

اهداف خلقت انسان

- هدف نهایی خلقت:
- خداگونه شدن و مقام جانشینی تکوینی و مظهریت انسان از جانب خداند
- جهت تحقق این هدف علاوه بر عقل و فطرت در وجود انسان ها، انسان هایی نیز به عنوان خلیفه الله فرستاده است.
- اهداف متوسط خلقت:
- 1. در سطح کلان یا جمعی: دستیابی به قرب الهی و کامل شدن انسان و ایجاد نظام فرهنگی – اجتماعی عادلانه
- 2. در سطح فردی: طی طریق عبودیت (انسان سازی یا تکوین شخصیت ایمانی)
- اهداف جزئی خلقت:
- اهداف جزئی خلقت: اهدافی که حرکت تکاملی انسان را از طریق وضع احکام وضعی و تکوینی (اخلاقی، عبادی، سیاسی و اقتصادی اسلام) برای رسیدن به اهداف کلی اسلام محقق می گرداند.

اهداف توسعه در قانون اساسی (الگوی فرهنگی اسلام) رشد اقتصادی

- در حالی که افزایش ثروت در نظام سرمایه داری، هدف نهایی است ، افزایش ثروت در نظام فرهنگی – اجتماعی اسلام، ابزار و وسیله ای است در خدمت نیازهای انسان در جریان تکامل و ترقی او. در مقدمه قانون اساسی بر این نکته تأکید شده است که ” اقتصاد وسیله است نه هدف“.
- همچنین در بندهای اول، دوم، هفتم و نهم اصل ۴۳ قانون اساسی بر اجزای مختلف رشد نوین اقتصادی تأکید شده است.

اهداف توسعه در قانون اساسی (الگوی فرهنگی اسلام)

رشد اشتغال آفرین

○ قانون اساسی جمهوری اسلامی با اشاره به عناوین زیر، رشد اقتصادی همراه با اشتغال کامل و متناسب و لایق به شأن همه افراد جامعه فراهم آورد.

1. بند دوم اصل ۴۳ : تأمین شرایط و امکانات کار برای همه ، رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین

2. بند سوم اصل ۴۳: تنظیم کار در برنامه ریزی اقتصادی کشور

اهداف توسعه در قانون اساسی (الگوی فرهنگی اسلام)

رشد پایدار

- در اصل ۵۰ قانون اساسی بر پایداری در رشد اقتصادی تأکید شده است.
- نظام فرهنگی – اجتماعی اسلام برای دستیابی به این هدف به چند نکته اساسی توجه داشت:
 1. رشد اقتصادی هدف نباشد.
 2. فقر کاهش یابد.
 3. هزینه های زیست محیطی در تولید ناخالص ملی لحاظ شود.
 4. الگوی مصرف حد کفاف نهادینه شود.
 5. تکنولوژی مناسب محیط زیست حتی الامکان استفاده شود.

اهداف توسعه در قانون اساسی (الگوی فرهنگی اسلام)

رشد مشارکت آفرین

○ اصول ناظر بر مشارکت سیاسی و مردم سالاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی فراوان است.

○ بر طبق اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است امکانات زیر را فراهم آورد:

1. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی

2. بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از امکانات و رسانه های گروهی

3. تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون

4. پرهیز از هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی

اهداف توسعه در قانون اساسی (الگوی فرهنگی اسلام)

رشد مشارکت آفرین

○ همچنین به هر یک از حقوق سه گانه زیر نیز توجه شده است:

1. حقوق مدنی (حقوق برابر برای همه اقوام ایرانی و همه افراد ملت، رعایت حقوق زنان، آزادی های فردی و آزادی بیان و غیره) در اصول ۱۹ تا ۲۵، اصول ۳۲ تا ۴۰، اصول ۴۶ و ۴۷
2. حقوق سیاسی (حق رای و تشکیل احزاب: اصل ۶، اشاره به اهمیت شوراها: اصل ۷، اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه ای همگانی مردم نسبت به یکدیگر و مردم نسبت به دولت: اصل ۸)
3. حقوق اجتماعی (حق چانه زنی صنعتی و حق رفاه شامل بیمه های بیکاری و

اهداف توسعه در قانون اساسی (الگوی فرهنگی اسلام)

رشد هویت آفرین

- هویت انسان را فطرت، عقل و اراده او می سازد و تنها با رجوع به بارگاه خداوندی است که فطرت شکوفا، عقل بیدار و اراده استوار می گردد.
- توحید آیین رهایی و آیین پیوستن است.
- قانون اساسی هم برای همین هدف هویت آفرینی دینی و غیرسکولار عمل کرده است. از یک سو برای آیین رهایی، استقلال، آزادی، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی و در مقام آیین پیوستن، نفی هر گونه ستم گری و سلطه گری، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم، تنظیم سیاست های خارجی کشور براساس معیارهای تعهد برادرانه و... را سرلوحه فرآیند آفرینی دولت و ملت قرار داده است.
- قانون اساسی در اصول متعددی به هر یک از این مصادیق اشاره شده است.

اهداف توسعه در قانون اساسی (الگوی فرهنگی اسلام) **رشد عادلانه**

- هدف متوسط اسلام، ایجاد نظام عادلانه است.
- از این رو، اصل دوم قانون اساسی، تحقق نظام اسلامی ایران را بعد از مبتنی کردن بر ایمان و به پنج اصل مذهب تشیع، منوط به سه چیز می داند:
اجتهاد مستمرفقهای جامع شرایط، استفاده از علوم و فنون، نفی هر گونه ستم گری و ستم کشی
- اصل سوم قانون اساسی ایران را موظف می کند که برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم از جمله قسط و عدل، تمامی امکانات خود را به کار گیرد.
- اصل یکصد و نهم نیز یکی از صفات لازم برای رهبری را عدالت می داند.

اسلام و رشد عدالت محور

- محقق در تحقیق مستقلی تحت عنوان "اسلام و رشد عدالت محور" به بررسی نسبت آموزه های دین اسلام و رشد عادلانه پرداخته است.
- محقق درصدد بررسی ارتباط متقابل رشد اقتصادی، نابرابری و فقر است.
- فرضیه تحقیق:

- برخلاف برخی نظریات رشد اقتصادی که معتقدند پس از رسیدن به درجه ای از رشد اقتصادی، نابرابری و فقر کاهش می یابد، فرضیه این تحقیق آن است که حداکثر کردن رشد اقتصادی، بدون عدالت و بدون نهادها و سیاست های موافق فقرا اثر معناداری بر نابرابری و فقر نخواهد داشت. مشاهدات و نظریه های علمی در مورد سیاست ها و نهادهای مناسب با رشد عادلانه، راهبرد مکتب اقتصادی اسلام را تأیید می کند.

اسلام و رشد عدالت محور

○ تازگی این تحقیق در آن است که با استفاده از آموزه های اسلامی مبتنی بر مکتب اقتصادی اسلام و جدیدترین آموزه های علم اقتصاد توسعه، توانسته راهبرد رشد پایدار عادلانه و موافق فقرا طراحی کند که بتواند به طور همزمان هم فقر مزمن و فقر گذرا را لحاظ کرده و درصدد حل آن برآید.

اسلام و رشد عدالت محور

○ آموزه های دین اسلام در بردارنده ذخایری است که به کارگیری آنها می تواند به هم راستا کردن رشد و عدالت و تحقق رشد عدالت محور بیانجامد. این آموزه ها در دو سطح قابل بررسی است:

1. ارزش ها و مفاهیم
2. راهبردها (شامل نهادها و سیاست ها، سازوکارها)

ارزش های اسلامی و رشد عادلانه

○ جهت استخراج مهم ترین ارزش ها و مفاهیم اسلامی هماهنگ با رشد عادلانه، لازم است به عقلانیت اسلامی در سه سطح زیر رجوع شود:

1. عقلانیت بنیادی (باورها و عقاید)

2. عقلانیت ارزشی (اخلاق)

3. عقلانیت رفتاری

ارزش های اسلامی و رشد عادلانه

عقلانیت بنیادی و رشد عادلانه

○ تبیین باورهای اسلامی با رشد عادلانه با سه مفهوم زیر امکان پذیر است:

1. مالکیت تام خداوند ناظر بر اصل توحید

2. تعادل هدایت شونده ناظر بر اصل نبوت و امامت

3. وجه اجتماعی عدالت خداوند ناظر بر اصل عدالت

○ این سه مفهوم مومنان را به مسئولیت خرد و کلان جانشینی در بهره برداری از نعمت های خداوند آشنا و متعهد کرده و آنها را به امانت داری از نعمت های الهی، کارایی و عدالت اقتصادی رهنمون می سازد. این اصول اعتقادی مسلمانان را به طور خودجوش و درونی به عدالت اقتصادی و بهره برداری از منابع در چارچوب شرع و زیان نرسیدن به دیگران و طبیعت ترغیب می کند و در مجموع، این مسئولیت های خرد و کلان اقتصادی در یک نظام اجتماعی- فرهنگی عادلانه و اسلامی رشد پایدار عادلانه به ارمغان می آورد.

ارزش های اسلامی و رشد عادلانه

عقلانیت ارزشی و رشد عادلانه

○ در ذیل این سرفصل مهم ترین مباحث اخلاقی مرتبط با رشد عادلانه می گنجند:

1. تعادل بین دنیا و آخرت

2. ارزش کار و سرمایه

این دو نوع ارزش اخلاقی، نوع خاصی از فرهنگ کار و سرمایه گذاری ایجاد خواهد کرد.

1. ایمان، محبت و انصاف؛ عناصر هویت ساز جامعه اسلامی

این ارزش اخلاقی زیربنای ارزش اخلاقی زیر است:

1. عدالت اقتصادی و معیارهای چهارگانه آن شامل اصل مشارکت،

اصل توزیع، اصل بازتوزیع، اصل هماهنگی فرصت های برابر

ارزش های اسلامی و رشد عادلانه

عقلانیت رفتاری و رشد عادلانه

- عقلانیت رفتاری متکفل عملیاتی است که فرد و جامعه مسلمانان را با حداکثر بازدهی و سرعت به اهداف اعلام شده در عقلانیت بنیادی و ارزشی می رساند. فقه اسلامی با وضع احکامی وضعی و تکلیفی (اخلاقی، عبادی، سیاسی، اقتصادی و...) به عنوان مجموعه ای از باید و نبایدهای آدمی را با توجه به موانع و امکاناتش به سوی اهداف متعالی اسلام هدایت کند.
- احکام حقوقی و اخلاقی در شریعت اسلام با توجه به همه ابعاد مادی و معنوی در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تشریح شده است. در حوزه اقتصاد نیز دستورات و احکامی وضع شده است که می تواند منبع خوبی برای استخراج نهادها و سیاست های اقتصادی مدرن اسلامی در جوامع در حال توسعه اسلامی باشد.
- در ادامه به احکام ناظر بر عدالت اقتصادی با توجه به شاخص های رشد پایدار اقتصادی، کاهش مداوم نابرابری و حذف فقر در حوزه وظایف بخش دولتی، خصوصی، بخش سوم و خود فقرا اشاره خواهد شد.

ارزش های رفتاری اسلام و رشد اقتصادی پایدار

- رشد اقتصادی پایدار: افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل.
- این افزایش تولید متأثر از دو بعد است: جنبه عینی تولید (پیشرفت فناوری ها و علوم جدید) و جنبه ذهنی تولید (شرایط نهادی و هنجاری مرتبط با تولید)
- در بعد عینی، اسلام نه تنها مسلمانان را به یادگیری تمامی علوم و فنون فرا می خواند، بلکه به توانمند سازی و عزتمندی کامل در روابط با دیگران و نقش رهبری در نظام جهانی فرامی خواند.
- تشریح ارزش های رفتاری و جنبه های ذهنی تولید از منظر اسلام در چهار بخش (مبتنی بر دیدگاه شهید صدر در اقتصادنا):

1. خصوصی

2. دولتی

3. سوم

4. فقرا

بخش خصوصی و رشد اقتصادی پایدار

○ برخی ارزش های فقهی شکل دهنده رفتار تولیدی در بخش خصوصی:

1. طرد فعالیت های عقیم و بیهوده و تشویق به امور مولد

2. حرمت اسراف و تبذیر و تشویق به پس انداز و سرمایه گذاری

3. حرمت کنز و زراندوزی و وضع مالیات بر آن

4. ممنوعت شغل گدایی

5. ارث و نقش آن در ایجاد انگیزه برای فعالیت مولد

6. حرمت فعالیت های ربوی

7. ترغیب و ارشاد به استفاده از برخی عقود

بخش دولتی و رشد اقتصادی پایدار

○ برخی ارزش های فقهی مورد نظر اسلام که دولت مکتبی باید به آنها عمل کند:

1. سرمایه گذاری در نیروی انسانی ماهر و متعهد
2. انباشت سرمایه فیزیکی به ویژه در امور زیربنایی
3. نظارت بر بهره وری
4. مداخله مسئولانه دولت در مبادله
5. کاهش انواع نابرابری های اقتصادی
6. نظام جامع تامین اجتماعی
7. هزینه مند کردن گدایی، بیهوده کاری و کارهای حرام

بخش سوم و فقرا و رشد اقتصادی پایدار

- بخش سوم ، بخش مستقل و داوطلبانه ای یا بخش سوم اقتصاد است .
- برخی ارزش های رفتاری دیگر خواهانه ای که مورد تأکید اسلام است:
 1. امر به تلاش و نهی از منکر و گدایی
 2. افزایش سطح تولید و اشتغال از طریق گسترش امور عام المنفعه
 3. افزایش تقاضا و گسترش بازار از طریق کمک به فقرا

اسلام

ارزش های رفتاری اسلام و کاهش مداوم نابرابری

○ عدالت توزیعی یا مسأله نابرابری از دیدگاه اسلام در سه سطح مطرح است:

1. عدالت توزیعی قبل از تولید : عدم تبعیض در امکانات و فرصت ها

2. عدالت توزیعی در مرحله بعد از تولید : برابری کارکردی

3. برابری در وضعیت نهایی

لازم است ارزش های رفتاری چهار بخش خصوصی، دولتی، سوم و فقرا در سه سطح فوق از عدالت توزیعی مورد بررسی قرار گیرد.

قواعد و الزام های رفتاری بخش خصوصی در زمینه کاهش نابرابری

○ قواعد ناظر بر برابری فرصت هادر بخش خصوصی :

✓ حق عمومی مردم بر منابع طبیعی، فقط کار مفید و انتفاعی حق ایجاد می کند، کار احتکاری حقی ایجاد نمی کند، محدودیت زمانی حقوق مالکیت خصوصی(احکام ارث)

○ قواعد ناظر بر برابری کارکردی در بخش خصوصی :

✓ حق مالکیت نیروی کار بر منابع طبیعی آزاد، حق دستمزد نیروی کار بر منابع طبیعی غیرآزاد، ابزار تولید در مالکیت محصول نقشی ندارد، مشارکت نیروی کار در مالکیت محصول با اجازه مالک است، درآمد ربوی مجاز نیست، درآمد دلالی بدون انجام هیچ نوع کاری مجاز نیست، ریسک برای کسب درآمد حقی ایجاد نمی کند، قواعد توزیعی از نظریه ارزش و قیمت منفک است، محدودیت مالکیت و امنیت سرمایه

○ وظایف ناظر بر برابری نهایی در بخش خصوصی:

✓ مالیات های اسلامی، حرمت احتکار، حرمت اعمالی که موجب ضرر به دیگران است از جمله انحصارات مضر، حرمت ربا، قانون ارث

قواعد و الزام های رفتاری بخش دولتی در زمینه کاهش نابرابری

- قواعد ناظر بر برابری فرصت هادر بخش دولتی :
- ✓ مبارزه با فساد، تبعیض و انحصارطلبی فرصت طلب ها، حق محوری و قانون گرایی، برابری عموم مردم در توزیع امکانات عمومی
- قواعد ناظر بر برابری کارکردی در بخش دولتی :
- ✓ تصحیح نارسایی بازار، تنظیم بازارها (کار، کالا ها و خدمات، پول و سرمایه)
- وظایف ناظر بر برابری نهایی در بخش دولتی:
- ✓ اخذ مالیات، اخذ درآمدهای غیرمالیاتی، واگذاری منابع طبیعی به مردم، اعطای اعتبارات به فقرا، ابزارهای دیگر بازتوزیع

ترجمیمات رفتاری بخش سوم در زمینه کاهش نابرابری

- بخش سوم و برابری فرصت ها:
وقف و نظایرش، وصیت به مال، قرض الحسنه، عاریه
- بخش سوم برابری کارکردی:
نهاد تعاون و بازار عادلانه، اخلاق در بازار و نقش آن در ایجاد تبعیض قیمت ها
- بخش سوم و برابری نهایی:
وقف و نظایرش، قرض الحسنه

تربیمات رفتاری فقرا در زمینه کاهش نابرابری

○ فقرا و برابری فرصت ها:

یاری جستن از خداوند و توکل، افزایش بهره وری، استفاده مطلوب از فرصت ها و وقت شناسی، حق طلبی و تلاش برای احیای حقوق، افزودن بر سرمایه اجتماعی

○ فقرا و برابری کارکردی:

کار و تلاش بیشتر

○ فقرا و برابری نهایی:

نگریستن به آن که زندگی فروتری دارد

ارزش های رفتاری اسلام و مذهب فقر مطلق

○ بخش خصوصی و فقرزادایی:

زکات، خمس و تکافل عمومی

○ بخش دولتی و فقرزادایی:

ایجاد بسترهای لازم فرهنگی، قانونی، اداری و تشویقی برای اجرایی شدن اصل تکافل عمومی، وظیفه دولت و حق فقرا در درآمدهای عمومی، وظیفه دولت و تأمین اجتماعی،

○ بخش سوم و فقرزادایی:

نقش نهاد خانواده در فقرزادایی، نقش نهاد ازدواج در فقرزادایی، نقش صله رحم در فقرزادایی، نقش نهادهای خیریه مذهبی یا صدقات در فقرزادایی

○ فقرا و فقرزادایی:

عزت نفس در برابر ثروتمندان، قناعت و شکرگزاری، کراهت سؤال حتی برای نیازمند، ضرورت حفظ جان

راهبرد رشد عادلانه موافق فقرا از منظر اسلام نهادهای

○ نهادهای اسلامی رشد موافق فقرا: تشریح ویژگی های خاص برخی نهادهای معمول از منظر اسلام

۱. نهاد احترام به قراردادهای (احترام کار، احترام مالکیت، آزادی قرارداد و سخت گیری بر غاصب، مصادیق نهاد احترام به قراردادهای در جوامع اسلامی)

۲. نهاد مالکیت مختلط: به رسمیت شناختن سه نوع مالکیت خصوصی، دولتی و عمومی در عرض یکدیگر

۳. نهاد تنوع در قرارداد اشتغال (از طریق وضع احکام متنوعی چون مزارعه، مساقات، مضاربه و جعاله)

۴. نهاد آموزش و پرورش: (تأکید بر خانواده ها، حوزه های علمیه، مدارس، دانشگاهها، مساجد، حسینیه ها و... با هدف نهادینه کردن آموزش و پرورش اسلامی)

۵. نهاد دولت مسئول: دولتی مومن به احسان و عدل و برخوردار از سه ویژگی عقلانیت، معنویت، عدالت

۶. نهاد جامعه مدنی متعهد: (جامعه مدنی عبارت است از نهاد خانواده، همیاری های محلی، روستایی، شهری، کشوری و حتی بین المللی اسلامی)

راهبرد رشد عادلانه موافق فقرا از منظر اسلام سازو کارها

○ پس از استقرار نهادهای اسلامی رشد موافق فقرا و سامان دهی کارکرد واقعی آنها، لازم است ابزارهای لازم برای هر چه سریعتر و بهتر انجام شدن عدالت اقتصادی اسلامی به کار گرفته شود.

○ دو سازو کار معرفی می شود:

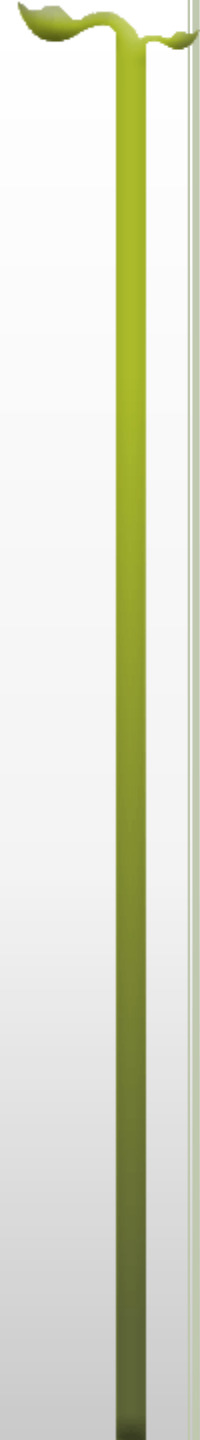
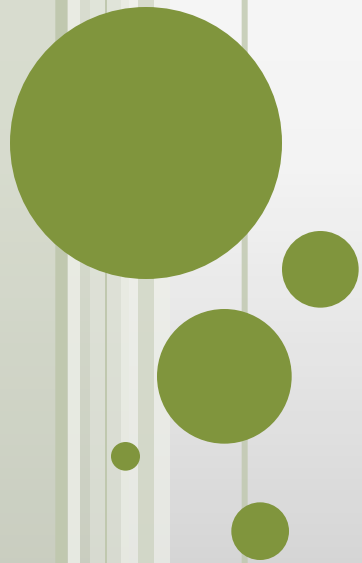
1. سازو کار برنامه ارشادی:

- دیدگاه اسلام برنامه ریزی در چارچوب سازوکار بازار است تا افراد و بنگاهها به سمت عمل اقتصادی عقلانی حرکت کنند. در این مورد لازم است به مداخله معقول دولت، مشارکت نیروی کار در مالکیت و مدیریت بنگاهها و رعایت انگیزه ها شخصی و به ظهور رسیدن خلاقیت ها توجه خاص شود.

2. سازو کار صنعتی شدن عقلانی:

- صنعتی شدن در وسیع ترین معنایش عبارت است از: سازماندهی تولید در بنگاههای تولیدی از طریق تقسیم کار و تخصص گرایی و به کارگیری فنآوری و نیروهای مکانیکی و الکترونیکی به جای نیروی انسانی و یا همراه آن. با این درک تمامی بخش های اقتصاد را می توان صنعتی کرد؛ این همان معنای رویکرد عقلانی به فرایند تولید و نه فقط تولید کالاهایی که به نظر صنعتی می رسند، است.

ایران و توسعه اسلامی



ارزیابی وضعیت توسعه ای ایران

○ ایران جامعه ای در حال گذار است و هنوز کمتر توسعه یافته؛ کمتر توسعه یافته در این معنا که ظرفیت های بالقوه موجود برای توسعه، استفاده نشده و یا بطور ناقص مورد استفاده قرار گرفته است.

○ موانع توسعه در ایران:

1. موانع نظری: دوگانگی فرهنگی حوزه و دانشگاه و فقدان هماهنگی و هم صدایی این دو نسبت به توسعه، مبانی نظری و تعریف آن دو عدم توجه به تدوین مبانی توسعه ایران در بستر دینی.

2. موانع عملی: عمدتاً ناشی از دوگانگی نفتی (جدایی بخش جدید نفتی و بخش سنتی غیرنفت اعم از صنعت و خدمات) و تأثیراتی که بر سه حوزه زیر می گذارد، می باشد:

- دولت: استقلال نسبی نخبگان دولتی در تصمیم گیری بدون در نظر گرفتن منافع جامعه، استفاده از این درآمدها برای حفظ و تداوم قدرت انحصاری خویش.

- روابط دولت و جامعه: کسب مشروعیت از این طریق، دولت غیرمالیاتی که در این توافق ضمنی با مردم است که لزوماً منتخب و نماینده آنها نباشد.

- اقتصاد: حاکم شدن روحیه رانتی و فرصت طلبی، تکیه به واردات کالاهای لوکس جهت پاسخ گویی به تقاضای نوکیسه ها .

ارزیابی راهبرد رشد در ایران (۱۳۸۰-۱۳۳۸)

○ در شناخت و ارزیابی راهبرد توسعه اقتصادی و سیاست هایی است که تا کنون به اجرا درآمده است، لازم است به معیارهای کلی زیر توجه کافی شود. این ارزیابی مقدمات ارائه راهبرد اسلامی رشد عادلانه موافق فقرا برای ایران را فراهم می آورند:

1. درجه اهمیت انباشت سرمایه فیزیکی (شاخص پس انداز، سرمایه گذاری، رشد)

2. درجه اهمیت انباشت سرمایه انسانی (شاخص آموزش، بهداشت، تغذیه)

3. درجه اهمیت بهره روی (کارایی، اثربخشی، به کارگیری مداوم عوامل تولید)

4. درجه اهمیت مردم و نقش آزادی، مشارکت و مردم سالاری

5. درجه اهمیت دولت و نقش آن در پیشبرد مسیر توسعه

6. درجه اهمیت کاهش نابرابری

7. درجه اهمیت فقرزدایی

سه شاخص اول، ناظر بر علل مستقیم توسعه اقتصادی و ۴ شاخص آخر به علل غیر مستقیم مربوط می شود.

ارزیابی راهبرد رشد در ایران (۱۳۸۰-۱۳۳۸)

○ نقد برنامه های توسعه ای ایران:

1. سهم ناچیز نگرش سیستمی و نظام مند

2. توجه بیشتر به رشد اقتصادی خصوصا در برنامه های اول و دوم

3. لحاظ نشدن ارزش های مکتبی با تمامی ابعاد شان

○ بررسی شاخص های فوق در دوره ۴۲ ساله (۱۳۸۰-۱۳۳۸) نشان می دهد:

- برآیند راهبرد اجرا شده، کارنامه متوسطی از رشد اقتصادی عادلانه را ارائه می دهد.

- مشکلات اصلی توسعه اقتصادی ایران به معیارهای بهره وری، چگونگی اعمال معیارهای حضور بیشتر و متعهدانه مردم، کاهش نقش دولت و حضور مسئولانه آن، کاهش نابرابری و حذف فقر بازمی گردد.

- راهبرد رشد اسلامی مناسب ایران تمامی معیارهای بنیادی هفت گانه را خواهد داشت، اما این راهبرد باید بر ارتقای مشکلات اصلی توسعه اقتصادی ایران تمرکز داشته باشد.

راهبرد رشد عادلانه موافق فقرا از منظر اسلام

سیاست های مستقیم

○ سیاست اثربخشی

- اثربخشی با تعیین اهداف اقتصادی درست در یک نظام اقتصادی محقق می شود. اگر هدف نهایی نظام اقتصادی اسلام، رفاه عمومی آحاد جامعه و افزایش توان اقتصادی جامعه، می بایست از طریق دو سازوکار برنامه ریزی ارشادی و صنعتی شدن عقلانی و هفت نهاد رشد عادلانه موافق فقرا، هدف های کلی درست نظام اقتصادی (کاهش مداوم نابرابری، حذف فقر، رشد حداکثر) را تعیین کرد.

○ سیاست کارایی

- کارایی به معنای اجرای درست کارها، اجرای درست کارها زمانی محقق می شود که کار به دست دلسوزان سپرده شود.
- اصل بر آن است که مردم صاحب کار و حرفه باشند و به رتق و فتق امور بپردازند. در شرایطی غیر از این، سازوکار برنامه ریزی ارشادی با سیاست های زیر به اجرا درمی آید:

- خصوصی سازی فقرزدا، آزادسازی تجاری فقرا، مقررات زدایی عقلانی

○ سیاست اشتغال کامل

راهبرد رشد عادلانه، موافق فقرا از منظر اسلام سیاست غیرمستقیم

○ سیاست ارتقای مشارکت مردم

- هدف: برطرف کردن موانع مشارکت مردم به دو شیوه:
- تدوین قوانین، نهادها و سازمان های اجتماعی متناسب=رجوع به سیاست هایی که در راهبرد اقتصاد سیاسی وجود دارند با در نظر گرفتن شرایط بومی هر کشور
- سیاست های فرهنگی مشارکت زا= مبارزه با سطوح گوناگون تقدیرگرایی، مبارزه با پدیده مصرف گرایی افراطی جهت از بین بردن احساس فقر و نداری، مبارزه با بی سوادى و نبود اطلاعات

○ سیاست کاهش نابرابری و فقر:

1. مالی
2. پولی
3. درآمدی
4. اجتماعی

مهمترین لوازم تحقق توسعه اسلامی

- در اختیار داشتن شناخت کافی از ابزارها، سیاست ها و نهادهای توسعه اسلامی
- نهادینه کردن این ارزش ها در رفتار آحاد این جوامع در قالب هنجار
- دستیابی به این اهداف نیازمند وفاق عقیده عمومی و جمعی خصوصا وحدت نخبگان حوزوی و دانشگاهی نسبت به این اهداف است و تنها با درج آنها در یک الگوی فرهنگی مانند قانون اساسی، نمی توان به آنها دست یافت.
- وجود نهادهای تولید معنویت مانند نهاد مستقل و مردمی وارسته و روحانیت آزاده و نهادهای دیگری چون سنت عزاداری حسینی و مراسم عبادی دعا و زیارت
- اخلاق و منش رهبران درجه اول کشور
- مسئولیت دولت به معنای عام آن و احزاب و گروههای ناقد اگر توسعه خواه، سالم و خیرخواه باشند.
- کوتاه شدن دست عوامل خارجی چون جنگ ها و توطئه های فرهنگی، اقتصادی و

....

فهرست منابع

- جهانیان، ناصر (۱۳۸۸)، **اسلام و رشد عدالت محور**، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۲)، **اهداف توسعه با نگرش سیستمی**، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- جهانیان، ناصر (۱۳۷۷)، **تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین**، قبسات، سال سوم، شماره ۱
- جهانیان، ناصر، **موانع نظری و عملی توسعه در ایران**، ماهنامه بصرت ۱۹ و ۲۰